

مشکلات یک جشنواره بین‌المللی

کمتر از ۴ ماه به برگزاری سی‌امین جشنواره موسیقی فجر باقی مانده و حدود یک هفته پیش حسن ریاحی دبیر جشنواره فجر در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌ها اعلام کرد که گروه‌های بخش بین‌المللی جشنواره فجر مشخص شده‌اند. طی هفته‌های گذشته رسانه‌ها به این امر معترض شده‌اند که از بهمن ماه گذشته تا امروز تنها سه خبر از جانب دبیرخانه این مراسم اعلام شده است. یکی فراخوان جشنواره، دیگری انتصاب دبیر اجرایی و سومی هم انتصاب مدیر روابط عمومی است و سؤالی که مطرح شد این بود که جواز آن اخبار انتصابی و آن چند جمله حسن ریاحی هیچ بحث دیگری درباره جشنواره نشده و حتی بیروزگار شدن که گفتگویی با یکی از خبرگزاری‌ها انجام داد، کمتر در این باره سخنی گفت. سؤالی که پیش آمده این است که آیا دبیرخانه در طی سال هنوز کاری انجام نداده که اعلام کند در جشنواره امسال چه برنامه‌هایی پیش روست؟ و درباره همین بخش بین‌الملل با توجه به این که دیگر رامین

علی لهراسبی در گفتگو با صبا:

یک عاشقانه برای سریال پلیسی خواندم

پینام مطهری

سال‌های زیادی است که می‌خواند و فراز و فرودهای زیادی را در طول مدت خوانندگی اش تجربه کرده است، اما این حال تا امروز هر تیتراژی که خوانده جزو پر مخاطب‌ترین تیتراژهای تلویزیونی بوده و معمولاً هم توانسته کارهایش را در ذهن مخاطبانش خوب بنشانند. به همین بهانه و تیتراژ جدیدی که برای سریال «رهای» خوانده و سرآغش رفتیم تا با او در زمینه تیتراژ خوانی گفتگو کنیم. فارغ از تمام این بحث‌ها، علی لهراسبی یک ویژگی خوب دارد و آن هم این است که در مقابل تقدایبی که به او می‌شود جبهه نمی‌گیرد و با تفکر و تأمل پاسخ‌هایش را می‌دهد. همان ویژگی که در بسیاری از خوانندگان دیگر کمتر پیدا می‌شود.

به نظر می‌رسد در یک بازه زمانی تیتراژهای زیادی را خوانیده، اما در یکی دو سال اخیر هیچ تیتراژی از شما نشنیدیم. چرا تا این حد کم کار شده‌اید؟

نه، من اتفاقاً زیاد تیتراژ خواندم. سال ۸۲ «دری‌ها» را خواندم. سال ۸۴ «پله‌های پرواز»، «۸۸»، «لنجان»، «۸۹»، «فاصله‌ها»، «نتهای سال ۹۰»، «شیدایی»، «۹۱»، «سه پنج دو»، «و آن هم که»، «رهای» را خواندم.

بله، تا قبل از این دو سال خیلی پر کار بودید. شما تعداد را در نظر بگیرید. به نسبت سال اگر در نظر بگیرید این‌ها زیاد نیست. در ۱۱ سال گذشته فقط همین چند اثر را خواندم و به نظر زیاد نیست. شاید به این خاطر زیاد به نظر بیاید که همه تیتراژهایی که خواندم پر مخاطب بوده است. یعنی هم سریال‌هایش بیننده زیاد داشته و هم تیتراژ خوبی بوده که اینطور به نظر می‌رسد. من اسم نمی‌برم، اما خواننده‌های دارم که حداقل سه برابر من تیتراژ خوانده است.

چرا در دو سال اخیر کم کار بودید و تیتراژی نتخوانید؟ الان تیتراژ خواندن خیلی برایم جذاب نیست. قدیم‌ترها بیشتر برایم جذابیت داشت. الان اگر کاری را که خودم دوست داشته باشم و با تهیه‌کننده و کارگردانش هماهنگ باشم، می‌خوانم. بعد هم من تیتراژهایی را خودم و با سابقه خودم در دست می‌کنم. خیلی از تیتراژهایی که خوانده می‌شود، موزیک‌هایی است که قبلاً ساخته شده و بعدها شما آن را به عنوان تیتراژ می‌شنوید. به نظر من تیتراژ هر فیلم و سریالی باید با فضا و محتوای سریال جور در بیاید و اینطور هم نشاند که کار را خودشان بسازند و بگویند

فلائی تو بیاروی این ملودی که ما ساختیم بخوان. من هیچوقت نمی‌خواهم اینطور کار کنم. بعد هم این که دیگر احساس می‌کنم



دلیل دشواری‌هایی که همواره در این بخش وجود دارد کمی وقت را گرفته است ضمن این که فضای موجود ایجاب می‌کند تا زمانی که برای قطعی شدن یک اجرا و یا هر برنامه دیگری مطمئن نیستیم نسبت به اطلاع‌رسانی آن‌ها بدون پشتوانه اقدام نکنیم. دبیر سی‌امین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر بیان کرد: ما تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ایم که این دوره از جشنواره هم بتواند هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی رویداد ارزشمندی برای علاقه‌مندان موسیقی باشد. به جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر را طی ماه‌های گذشته ارائه خواهیم داد. به نظر می‌رسد همچنان دبیر جشنواره باسخی قانع‌کننده برای عدم اطلاع‌رسانی هاندار چرا که هیچ کس تا به حال نگفته دبیرخانه کم کاری می‌کند بلکه مشکل اول عدم اطلاع‌رسانی درباره کارهای صورت گرفته است.



رایدهای زیادی است که می‌خواند و فراز و فرودهای زیادی را در طول مدت خوانندگی اش تجربه کرده است، اما این حال تا امروز هر تیتراژی که خوانده جزو پر مخاطب‌ترین تیتراژهای تلویزیونی بوده و معمولاً هم توانسته کارهایش را در ذهن مخاطبانش خوب بنشانند. به همین بهانه و تیتراژ جدیدی که برای سریال «رهای» خوانده و سرآغش رفتیم تا با او در زمینه تیتراژ خوانی گفتگو کنیم. فارغ از تمام این بحث‌ها، علی لهراسبی یک ویژگی خوب دارد و آن هم این است که در مقابل تقدایبی که به او می‌شود جبهه نمی‌گیرد و با تفکر و تأمل پاسخ‌هایش را می‌دهد. همان ویژگی که در بسیاری از خوانندگان دیگر کمتر پیدا می‌شود.

فکر می‌کنم برای هر خواننده‌ای، تیتراژ خواندن اهمیت زیادی داشته باشد. تیتراژ خواندن باعث می‌شود که طیف مخاطبانتان از طریق شبکه‌های صدا و سیما وسیع‌تر شود. درست است. من هم دوست دارم تیتراژ بخوانم اما باید آن فضایی که دوست دارم ایجاد شود. باید با کارگردان و تهیه‌کننده به توافق برسیم، زود به زود هم نمی‌شود تیتراژ خواند. البته قبول دارم که در دو سال اخیر کم کار شدم و فاصله زیادی ایجاد شد ولی در این مدت پیشنهادهای زیادی داشتم. اصولاً خواننده‌هایی که تیتراژهای موفق می‌خوانند همیشه پیشنهاد زیاد دارند، اما در این مدت و در میان کارهایی که به من پیشنهاد شد کاری وجود نداشت که خودم هم دوست داشتم. باشم آن را بخوانم یا اگر هم چنین کاری بود یا عواملش به توافق نرسیدم. ولی در مورد سریال آقای شاحسینی از کارم پیش با من صحبت کرده بودند و من هم حسلی روی موسیقی اش قرار کردم. برای سال آینده هم یک پیشنهاد تیتراژ دیگر دارم که آن هم برای آقای سهیلی زاده است که آن هم به توافق رسیدیم و امیدوارم که کار خوبی از آب در بیاید.

قبول دارید که تیتراژها یکتا بیشتر از آلبوم‌ها یکتا موفق بوده است؟ بله، اصلاً برای هر کسی که تیتراژ خوب خوانده باشد همین اتفاق می‌افتد. فکر می‌کنید این موفقیت بیشتر به خاطر تیتراژها بوده یا خود سریال‌ها؟ طبق آمار می‌گویم که در ۱۰ سال گذشته چیزی حدود ۳۰۰ تیتراژ در تلویزیون خوانده شده است، اما واقعاً چند تا از آن‌ها موفق بوده؟ مطمئناً تعدادشان خیلی کم بوده است.

پس با این حساب خود تیتراژ هم باید خوب باشد که مورد استقبال قرار بگیرد. البته این را هم بگویم قطعاً تلویزیون هم در شنیده شدن کارها تأثیرگذار است، هر چند که الان بیننده‌های تلویزیون خیلی کمتر شده، اما باز با تمام این حرف‌ها اگر تیتراژ خوب نباشد مردم کانال



نحوه پیوستن به سریال «رهای» تهیه‌کننده این سریال محمد رضا شفیعی است که قبلاً هم با هم دو تجربه خوب «فاصله‌ها» و «شیدایی» را داشتیم. البته معمولاً تیتراژ سریال‌هایی که قسمت‌های کمی دارند را نمی‌خوانیم، اما این بار به خاطر دوستی‌ام با شفیعی این کار را قبول کردم. تقریباً دو سالی می‌شد که تیتراژ نتخوانده بودم، اما در هر حال این کار برای محمد رضا انجام دادم و خیلی هم سریع این کار را به اتمام رساندیم. فکر می‌کنم یک هفته بیشتر طول نکشید که کار حاضر شد.

باز خوردهای یک تیتراژ: «رهای»

ظاهراً مردم خیلی دوست داشتند. در پیشنهاد خود محمد رضا شفیعی یک کنتراستی را برای این تیتراژ در نظر گرفتیم. از آنجایی که این سریال یک سریال پلیسی و اکشن بود باید کاری می‌خواندم که با فضای سریال همخوان باشد. البته این بار تصمیم گرفتم دقیقاً برعکس عمل کنم و یک کار عاشقانه و آرام بسازم. اما باز هم طوری این کار را انجام دادم که با فضای سریال جور در بیاید و ربطی به مضمون سریال نباشد. در واقع روایت شعر روایتی است که با محتوای سریال جور در می‌آید. همه ما می‌دانیم که نیر و ناهای نظامی به واسطه شغلشان ممکن است نتوانند همیشه در کنار همسر، خانواده یا عزیزانشان باشند و ما هم در ترانه به سراغ این مضمون رفتیم. در واقع ترانه این کار از زبان این دوستان به عزیزانشان است.

روحیه پرشگری را فراموش کردیم



حسین علیشاپور، با رجوع به اصول آواز خوانی کلاسیک ایرانی در برابر جریان روز موسیقی سنتی ایران که معلوم نیست دارد به کجا می‌رود، یک صدای مخالف خوان است. صدای مخالفی که با نوعی بازگشت به اصالت همراه شده و این از آن اتفاق‌هایی است که تنها در ایران رخ می‌دهد. علیشاپور در سال جاری چندین بار به صحنه رفت از جمله در اجرای کنسرت با کیهان کلهر، هنرمند برجسته ایرانی که در قونیه برگزار شد. آنچه در ادامه می‌آید دیدگاه او به برخی مشکلات به وجود آمده در حوزه موسیقی است.

یک زمان موسیقی و آواز وسیله‌ای برای «بیان» بوده است. اکنون به عقیده من دغدغه بیان وجود ندارد. یعنی آوازخوان آواز را نمی‌خواند و شعر را برای آواز به کار نمی‌گیرد که چیزی را از خودش، از ذات موسیقی یا حتی برگرفته از محیط اطرافش بیان کند. خیلی از آهنگسازان ماهم همینطور. شما ببینید به عنوان مثال، استاد تجویدی اگر آهنگی ساخته، قصد داشته چیزی را بیان کند. یک دغدغه، یک علاقه، یک مسودت و محبتی... آوازخوان‌ها هم همینطور و با همین رویکرد آواز می‌خوانند. قصدشان این نبوده که خودخواسته و برنامه‌ریزی شده و با تشبیه به هر چه ممکن است، در حوزه پایلوریته وارد شوند. کار ارائه می‌شود و اقبال عمومی، خودش به وجود می‌آید. یکسری عوامل هم البته دست به دست هم می‌دهند مثلاً رادیو و تلویزیون، خوب موسیقی را پوشش می‌دهند و به آن می‌پردازند ولی الان خیلی از این عوامل از میان رفته است. در گذشته موسیقی از نگاه حاکمیتی یک نوع ارزش تلقی می‌شد، اما امروز این موسیقیدان‌ها هستند که با تلاش‌های مفرط می‌خواهند، موسیقی را دستر جامع‌ها جان‌بندازند.

خیلی از کارهایی که امروز به بازار نشر موسیقی می‌آید، باری به هر جهت است. مثلاً آهنگساز، آهنگی را ساخته که مثلاً بنده یا دوستان عزیز دیگر که فعال هستند و حرفه‌ای، بخوانند تا این کار دیده شود...

شرایط کلی جامعه به این سمت پیش رفته است. خیلی رک و راست بگویم همه ما فکر می‌کنیم می‌خواهیم از جیب هم چیزی دربیاوریم. این یک واقعیت تلخ است. این حرف‌ها را به راحتی می‌گویم چون به جایی و کنسی وابسته نیستیم. دوستان گرامی! هیچ کدام از ما چیزی از جیب هم در نمی‌آوریم. هر کدام از ما، بنده کمتر، دوستان دیگرم بیشتر، علاقه‌مندانی در حوزه تخصصی خودمان داریم، کنسرت‌هایی داریم. همین شبی که جشن موسیقی ما برگزار شد، سالن من و طینوش بهرامی هم پر بود در کنار وحدت. این چه عیبی دارد؟ مسئله دیگر این است که الان شاگردی کردن برای ما نه تنها نقطه ضعف، بلکه کسرس شان تلقی می‌شود. این روحیه پرشگری و این که به جایی برسیم که بگویم من نمی‌دانم و می‌خواهم چیزی را که نمی‌دانم یاد بگیرم، برای بالیدن هنرمند ضروری است، اما می‌ترسیم بگویم «نمی‌دانم» تا مبادا به عنوان نقطه ضعف علیه ما استفاده شود. این ترس دورنی در همه ما وجود دارد.

هیچ موسیقی‌ای، موسیقی ایرانی را بدبخت نمی‌کند. شاید اگر چیزی موسیقی ایرانی را بدبخت کند، برخی از دوستان باشند که در همین بدنه موسیقی کار می‌کنند و نادانسته و بی‌پروا صدور فتاوی می‌کنند که آن هم ۳۰، ۲۰ سال، موسیقی در روزهای می‌آفتد و باز درمی‌آید. همین الان دوره بازگشت در موسیقی ایرانی شروع شده است. الان همه می‌گویند ساز و آواز، پنج، شش سال قبل بنده مؤکداً عرض می‌کردم که موسیقی ایرانی باید در حوزه‌های پایهای و ریشه‌های خودش که شامل تکنوازی و آواز خوانی است، تقویت شود و توسعه پیدا کند. شما ملاحظه بفرمایید، مگر راوی شانکار با سیتار چه نواخته که تمام دنیا را گرفته است؟ مگر شجاعت حسین خان یا ولایت خان چه می‌نوازند؟



عکس نوشت

گروه «بالت» طرقدار کم ندارد. آن‌ها آخرین اجرای زنده خود را بر پایه اجرای آلبوم «قای بنفش» در رشت برگزار کردند و این روزها مشغول تهیه و تولید هستند. در این کنسرت ترانه فیلم «ماه و گربه» که این روزها روی پرده سینماهاست، هم اجرا شد.



پیشنهاد

سه آلبوم متفاوت هفته گذشته آلبوم آوای وصل که یک آلبوم بی‌کلام به آهنگسازی ارسلان پالیزبان است، به همت مؤسسه فرهنگی موسیقی نوای از غنون منتشر شد. در این اثر سعی بر تلفیق اجرای مرکب‌نوازی مقام با ردیف‌های موسیقی در دو آواز ابوعطا و بیات اصفهان شده است. این اثر به گفته پالیزبان پلی میان موسیقی ردیف و موسیقی مقامی ایران است. این اثر با ساز ابداعی آهنگساز به نام «شیدا» نواخته شده که تکمیل شده ساز سه‌تار است. این آلبوم شامل ۱۸ قطعه است که نام برخی قطعات آن عبارتند از: حجاز و بسته نگار، قطعه سار و خانی، گیری، چهار مضراب، قطعه شیخ امیری، ملودی رنگ شتر، عشاق و مثنوی اصفهان. همچنین آلبوم «جادولگی» به خوانندگی حامد تمدن و آهنگسازی سید سلمان حسینی از سوی انتشارات نوفه منتشر شد. این اثر شامل هشت قطعه است که دارای تنوع ملودیک و ریتمیک بوده و در این آلبوم از فضای موسیقی مقامی تنبور الهام گرفته شده است. اشعار این آلبوم از مولانا، حافظ و یغما جندقی و نام بعضی از قطعات آن ساقی، گل و خال، طرب و صنما... است. آلبوم موسیقی مقامی سنتی «تابه کجا» به خوانندگی و آهنگسازی خشایار کاکولوند نیز به همت شرکت فرهنگی-هنری راوی آذر کیمیا منتشر شد. آلبوم «تابه کجا» متشکل از قطعاتی همچون مست می‌خانت با شعر میر محمد صالح ماهیدشتی، گوش شما شعر مولانا، در دانه شعر مولانا، بی‌قراری براساس مقام خان امیری، یا هو یا من هو شعر ماهیدشتی و تابه کجا شعر سیدخلیل عالی‌نژاد است.



کنسرت «اشارات نظر» برگزار می‌شود

میلاد درخشانی، به همراه گروه «افشارستان» بعد از ایام محرم و صفر در تهران به صحنه می‌رود که اعضای گروه هم اکنون در حال تمرین هستند. در این کنسرت قطعات بی‌کلام و با کلام اجرا می‌شود و قرار است قطعات «اشارات نظر» در این کنسرت اجرا شود. همچنین در این کنسرت قطعات آرزو، بشنو، تو مرو قفس، اشارات نظر، تو خداوند منی، برف از آخرین دیدار، یاروم... و برای مخاطبان اجرا می‌شود. اشعار قطعات این کنسرت از مهدی اخوان ثالث، شفیعی که کنی، فروغ فرخزاد، هوشنگ ابتهاج و... است. در این کنسرت رضا تاج‌پیش (پیلانو، کیبورد)، آرش مقدم (درام)، نیما رمضان (گیتار الکتریک)، دال‌ارایی (گیتار بیس)، پاشا خسروی (ساکسوفون)، پدram درخشانی (سنتر)، کوروش بابایی و شروین مهاجر (کمانچه)، پاشا هنجتی (نی)، همایون نصیری (پرکاشن)، علی جعفری، پدram فروسوفی (ویولن) و... به عنوان نوازنده حضور دارند. درخشانی از ضبط آلبوم جدید خود خبر داد و گفت: آلبوم جدیدی با محوریت ساز تار در دست تولید دارم که شامل هشت قطعه است و این اثر تا پایان سال جاری روانه بازار موسیقی می‌شود. میلاد درخشانی را به عنوان نوازنده تار با نگاهی مدرن می‌شناسند و او عود و گیتار را هم به شکل حرفه‌ای می‌نوازد و در مسند آهنگسازی در موسیقی تلفیقی با گروه «افشارستان» آلبوم و اجراهای موفق پشت سر گذاشته است.